

مثل امشب که در سرم غوغاست
و هر چه می گذرد
باز
موج و صخره و در است

مثل امشب که باد می توفد
و ال کنده ی اسبان
به چنگ سواران کسره زخم
بهبانه ی رؤ است

مثل امشب که جنگل است گمگاهم
و شاخه های بارانخس
تازانه می زنندم سخت
مثل هر شب
خال خانه ی پداست

□

آن کرانه ی رودخانه هم بروم
باز
بهبانه ی ماندن
هم شه در رؤ است
مثل امشب که خانه ی پداست!

واشینگتن، 9 بهمن 96